

شفیق الله توده یی

بیانیه نهضت فراگیر

در نخستین اجلاس وسیع نیروهای ملی، مترقی و دموکرات افغانستان در اروپا

هموطنان، رفقا و دوستان گرامی!

نخست از همه اجازه دهید درودها و شادباش های گرم مجلس موسسان نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان را به شما اشتراک کنندگان این همایش باشکوه از صمیم قلب تقدیم دارم. با کمال صمیمیت ابراز میدارم که برای شورای اروپایی نهضت فراگیر و اینجانب جای مسرت و افتخار است که در این گردهم آیی بزرگی هوطنان عزیز، زنان و مردان پرافتخار دوستان و رفقا، شخصیت ها و فعالان سیاسی، نمایندگان احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی، فرهنگیان و دانشمندان افغان در غربت، که بیشترین بخش زندگی خود را وقف پیشرفت، شگوفانی و سربلندی میهن محبوب و ابایی ما افغانستان و خوشبختی مردم رنج دیده، زحمتکش و ستم دیده این کشور نموده اند، اشتراک داریم.

موضوعات اساسی جمع آمد کنونی ما را بررسی اوضاع کشور و راه های بیرون رفت از حالت بحرانی موجود و در محور ان همبستگی نیروهای میهن پرست، ترقی خواه، دموکراتیک و عدالت پسند تشکیل میدهد. درست همین گفتمان در همایش مشترک و بزرگی نیروهای ملی، دموکرات و ترقی خواه مورخ اول نوامبر ۲۰۰۷ کابل، هم مورد بحث قرار گرفت.

همایش کابل که در ان طیف بالنسبه گسترده ای از شخصیتها، گروه ها و سازمانهای ملی مترقی و دموکرات از جمله حزب ملی، حزب رفاه، حزب متحد ملی، حزب ترقی ملی، جنبش ملی - اسلامی، حزب تفاهم و دموکراسی، حزب ارمان مردم، حزب کار و توسعه، حزب سعادت مردم افغانستان، حزب نهضت همبستگی ملی،

حزب افغانستان واحد ، حزب دموکرات ، حزب پیوند ملی و عده از اعضای ولسی جرگه ، عده از علما و روحانیون ، کتگوری مختلف روشن فکران ، نماینده گان گان اتحادیه های کارگری و پیشه وران ، شرکت ورزیده بودند ، از لحاظ زمانی به هنگام و از لحاظ ماهیت خود ابتکاری بود و در آن جلسه با شکوه برمسآله ء ضرورت همبستگی و همیاری میان نیروهای ملی ، دموکرات و ترقیخواه در یک جبهه ء وسیع سیاسی میهنی و دموکراتیک تأکید به عمل آمد. چنانکه این مفکوره در صحبتهای رهبران و نمایندگان شماری از احزاب، سازمانها، جریانها و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی و قطعنامهء همایش بازتاب روشن و گسترده داشت .

همایش کابل به مثابه ء برآمد شکوهمند و مشترک طیف وسیع نیروهای ملی ، مترقی و دموکرات افغانستان نه فقط در داخل ، بلکه از سوی شخصیت ها و گروه های سیاسی وطن پرست و مترقی درخاک کشور نیز به گرمی استقبال گردید .

باور کامل وجود دارد که اشتراک کننده گان این اجلاس شکوهمند پیرامون مسایل و معضلات افغانستان به گفتمان سازندهء خواهند پرداخت وافق های پردرخششی را در زمینهء مبارزه ء متحدانه و یک پارچه برای تحقق آرمانها واهداف مشترک ترقی خواهانه ، ملی ، دموکراتیک و داد خواهانه خواهند گشود.

اجازه دهید که به امید تدویر موفقانه همایش کنونی ، دیدگاه ها ، ارزیابی ها و طرح های نهضت فراگیر را در زمینه مسایل مورد بحث گردهم ایی امروز ما به شما دوستان و رفقای عزیز در میان بگذاریم .

هموطنان عزیز !

کشور ما افغانستان که در امتداد رویداد های مهم سیاسی -اجتماعی سده ء پیشین ، بر مبنای تضاد های درونی و در تحت تاثیر کشمکش میان ابر قدرت های آن دوران ، به ویژه در جریان جنگ سرد درگیر منازعات و چالش های کوناگون گردید و در پایان آن برای یک دهه ء کامل در شرایط تسلط ارتجاع به عقب و قرون وسطایی کشانیده شد و همزمان بدست فراموشی سپرده شد ؛ پس از حملات تروریستی

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده آمریکا بار دیگر در مرکز توجه جامعه بین المللی قرار گرفت.

در پی این رویداد مرگبار، نیروهای موسوم به ائتلاف ضد تروریسم به رهبری آمریکا، به افغانستان هجوم برد و پس از سه ماه حملات شدید نظامی، حاکمیت قرون وسطایی طالبان و متحد آن سازمان تروریستی القاعده را، سرنگون ساخت. هدف حملات آمریکا " نابود کردن اردوگاه های آموزشی تروریستی و ریشه کن ساختن تروریسم، شناسایی و بازداشت اسامه بن لادن و رهبران القاعده و مسدود ساختن منابع مالی آن در سایر کشورها و جنگ با تروریست ها و شرکای آن خوانده شد.

سپس به منظور پرنمودن خلی سیاسی و حل "مسئله افغانستان" کنفرانسی به گرداندگی ملل متحد و اشتراک چهارگروه نظامی - سیاسی که از مداخله نظامی آمریکا حمایت کرده بود با حضور (۲+۶) یعنی کشورهای همسایه به علاوه بریتانیا و آلمان در شهر بن دایر گردید. و پس از بحث های داغی پشت در های بسته بر سر اصول و میکانیسم حل " مسئله افغانستان " و ایجاد حکومت آینده موافقتنامه " تر تیبات موقت تا تاسیس ایجاد موسسات دائمی " انعقاد یافت.

بنابر توافقات بن و فیصله، شورای امنیت سازمان ملل متحد، نیروهای موسوم به یاری امنیتی (ایساف) که در ابتدا تحت رهبری سازمان ملل متحد و اکنون تحت رهبری ناتو در افغانستان مستقر ساخته شدند. و با موازات آن در کنفرانس های پی پی بین المللی اعلامیه های مشترک افغانستان - آمریکا و افغانستان - اتحادیه اروپا، در زمینه های تامین امنیت و مبارزه بر ضد تروریسم و نظام سازی، استقرار دموکراسی و گسترش جامعه مدنی، حاکمیت قانون، تامین حقوق بشر، بازسازی و توسعه، تعهداتی سپرده و کمک هایی داده شد.

هر چند که در توافقات کنفرانس بن بر این حق مسلم مردم افغانستان که سرنوشت سیاسی خویش را به طور ازادانه مبتنی بر اصول دموکراسی، پلورالیسم و عدالت اجتماعی تعیین نمایند و بر این ضرورت تاکید به عمل آمده بود که این تدابیر

موقت به سوی ایجاد یک حکومت نماینده و با پایه های وسیع و عاری از تعصب جنسی که در آن نماینده گی کامل همه اقوام تامین شود ، انکشاف نمایند اما در ترکیب کنفرانس بن و عملیه ء تطبیق توافقات ان ؛ بر واقعیت های سیاسی جامعه افغانی چشم پوشیده شد ، منافع ملی افغانستان تحت شعاع منافع بیگانه گان قرار گرفت و تنها مصلحت ها و دروواقع منافع تنظیم ها ، اساس تصمیمات و اقدامات قرارداد ه شد و در ترکیب اداره موقت و بعدا انتقالی و سپس در دولت جمهوری اسلامی و ایجاد موسسات دایمی ، حکومت ، پارلمان و قضا ، دوباره تنظیم های اسلامی در قدرت سیاسی ابقا شدند . بدین گونه اصل بنیادی حل مسله ء قدرت یعنی ایجاد حکومت با پایه های سیاسی - اجتماعی ، نقض و جناح های سیاسی دیگری و دروواقع بحث وسیع جامعه از مشارکت سیاسی محروم ساخته شدند .

اینک نزدیک به هفت سال از ایجاد حاکمیت جدید در افغانستان می گذرد . در حالی که ادعا می گردید و انتظار برده میشد که پس از فروپاشی نظام قرون وسطایی طالبان مسله قدرت به طور عادلانه حل و جنگ و بحران خاتمه خواهند یافت . ولی با وجود فرصت ها و امکانات و شرایط نسبتا مساعد دست آورد های ملموس وجود ندارند ، ارزو ها و انتظارات به یاس مبدل گردیده ، ادعا ها ، مکلفیت ها و تعهدات عملی نشده است ، مسایل اساسی حل نگردیده است و حقایقی تلخی در معرض قضاوت مردم افغانستان و جهان قرار دارند . این حقیقت را در اقام و واقعیت های ذیل میتوان به خوبی دریافت :

کشور در بحران نا امنی فرو میرود ، ترور بیداد میکند و اردوگاه های تروریستی که به خاطر نابود ساختن ان نیروهای ایتلاف ضد تروریزم به رهبری امریکا به افغانستان حمله کرد ، در پاکستان و افغانستان هم چنان فعال اند . حاکمیت تفنگ ادامه دارد ، کشت خشخاش ، تولید و قاچاق مواد مخدر روبه فزونی است و مافیا مواد مخدر یک جا با باند های تروریستی و گروه های تبهکار سازمان یافته امنیت کشور را برهم زده است . اداره دولت جمهوری اسلامی افغانستان در فساد فرورفته است ؛ غارت دارای مردم و دولت توسط زورمندان و بیروکرات های فاسد ادامه دارد و انانی که تا همین

هفت سال پیش هیچ چیز در کیسه نداشتند ، امروز از برکت رسیدن به چوکی و مقام دولتی میلیون ها دالر در داخل و خارج اندوخته اند و در کشور عملاً حکومت پولداران شکل می گیرد. نقض حقوق بشر ، تجاوز ، ظلم ، ستم ، جرم و جنایت ادامه دارد فقر بیداد میکند . بیشترین بخش درآمد ناخالص ملی به یک فیصدی کوچک خانواده ها توزیع میگردد ؛ فقرا فقیرتر و اغنیا غنی ترمی گردند و فاصله اقشار بالایی و پایینی جامعه به خلیج عمیقی مبدل میگردد . در بازسازی پیشرفتی لازم دیده نمی شود، اقتصاد جنگ و مواد مخدره ، اقتدارگرایی اقتصادی بازار آزاد و نیولیبرالیسم که اثرات زیانبار اجتماعی و اقتصادی آن در کشور های روبه انکشاف هویداست ، به کشور ما نیز تحمیل و صادر میشود. معضلات فرهنگی حل نشده است و وضعیت معشیت استادان ، فرهنگیان ، روشن فکران ، ژورنالیستان ، هنرمندان ، نویسندگان و شاعران در داور است . جامعه را بحران ایتیک فرا گرفته است . والگو های رفتاری دشمنی و دشمن جویی ، تعصب و عصبیت قومی ، نژادی و مذهبی ، زورگویی و تنازع بقا ، پول پرستی ، اشفستگی های فکری و روانی ، خرد ستیزی و تجدد ستیزی ، از خود بیگانگی ، انفعال ، بی تفاوتی ، یاس و ناامیدی ، بر روح و روان اکثریت نزدیک به اتفاق از افراد جامعه مسلط میشوند.

اوضاع اطراف افغانستان و یا جوانب خارجی قضیه ء کشور هر روز بیش از پیش پیچیده میگردد . محافل نظامی گرا ، بنیادگرا ، تروریست پرور جمهوری اسلامی پاکستان که در ارکان کلیدی قدرت آن کشور تا هنوز مسلط اند و دیروز هم امنیت و ثبات کشور ما برهم زده اند ، اکنون نیز در عقب دشمنان افغانستان و اعمال تروریسم قرار دارند . اهداف آنها معلوم است و عبارت از ایجاد حکومت دست نشانده در افغانستان می باشد . حکومتی که از معضل خط دیورند به نفع پاکستان منصرف گردد ، برای آن کشور در افغانستان عمق استراتیژیک بدهد و در منازعه هند و پاکستان بر سر مسله ء کشمیر از پاکستان حمایت کند و به منابع انرژی و بازارهای آسیای میانه برای پاکستان پل شود و اگر ممکن شد، افغانستان را به گونه ء در خود مدغم سازد . درست به خاطر تامین این منافع نا روا که برای پنجاب و محافل حاکمه ء پاکستان دارای خصلت دایمی است و برای حصول آن دولت جمهوری

افغانستان را سقوط داد و "کابل را به آتش کشید" و در سقوط دولت جمهوری افغانستان که خدمتگزار واقعی مردم بود نقش مرکزی ایفا کرد، و امروز نیز به دخالت و صدور تروریزم در کشور ما ادامه میدهد. هر چند که انتظار برده میشود که حکومت جدید پاکستان به تعهدات خود در مبارزه با تروریزم عمل خواهند کرد؛ اما به باور ما تا وقتی که دستگاه استخبارات و ارکان اساسی قدرت آن کشور از بنیاد گرایان و دشمنان افغانستان پاک نگردد و در جهت دموکراسی واقعی متحول ساخته نه شود، پاکستان از دخالت در افغانستان دست بردار نخواهد بود و به همین سان حلقهات بنیادگرای جمهوری اسلامی ایران نیز که در افغانستان در صدد منافع ویژه خود هستند و دروند انکشاف دموکراتیک کشور ما خود را ذینفع نمی شمارند از مداخله مری و نامریی دست نخواهند کشید.

جمهوری فدراتیف روسیه که برای پر ساختن خلای استراتژیکی ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی سابق تلاش دارد و افغانستان را زون منافع حیاتی خود تلقی میکند، نگرانی های خود را از حضور غرب در افغانستان پنهان نمی کند و به گونه جمهوری توده ای چین و پیمان شانگهای نیز بالقوه در مواردی به حضور غرب در منطقه افغانستان حساسیت میورزند.

بنابراین به نظر میرسد که تفاهم بین المللی که پس از ۱۱ سپتامبر و از الزامات مبارزه مشترک بر ضد تروریزم میان کشور های (۲+۶) درباره افغانستان شکل گرفته بود، اینک به تدریج تضعیف میشود و به یک نوع رویارویی فرا میروید، و حتی این خطر وجود دارد که جنگ دیگران به شکلی به سرزمین ما کشانیده شود و این بار کشور ما قربانی "بازی بزرگ جدید" و یا "جنگ سرد برای انرژی" شود. معلوم است که مشکل تنها در افغانستان نیست و نبوده بلکه در رقابت قدرت های منطقوی و جهانی که بر سر تسلط این "قلب اسیا" و "بام دنیا" جریان دارد می باشد. ما قربانی رقابت و مقابله قدرت های منطقوی هستیم.

بدین سان به وضاحت دیده میشود که دولت جمهوری اسلامی افغانستان و جامعه جهانی در تعهدات، مسوولیت ها و مکلفیت های خود در زمینهء برآورده ساختن

مطالبات و خواست های مردم و حل مسایل و معضلات افغانستان نه فقط کدام دست آورد ملموس و لازم ندارد ، بلکه دریک بن بست خود ساخته و استرا تیزیک گرفتار آمده اند .

این درحالیست که مردم افغانستان ازاین وضعیت و دوام ان به ستوه آمده و به فغان رسیده اند و خواهان دگرگونی ها درکشور و بهبود زنده گی خویش اند . توده های مردم و طیف وسیعی از نیروهای ملی - مترقی و سازمانهای اجتماعی ، جامعه مدنی و مطبوعات ازاد، خواهان استقرار یک دولت نیرومند ملی ، دموکراتیک ، مردمی و متعهد به ترقی و عدالت اجتماعی می باشند . و به همین سان نیروهای مترقی و دموکراتیک و محافل اجتماعی جهان نیز از وضع افغانستان نگران اند و خواهان استقرار حکومتی درکشورما می باشند که مکلفیت های خود را دربرابر شهروندان خود و جامعه بین المللی بدرستی انجام دهند.

ازاین وضعیت سیاسی اپوزسیون مسلح و شرکا که برای کسب مجدد قدرت تلاش میورزند ، بهره برداری سیاسی نموده اند؛ و دوام ان حتی این خطر و احتمال را به میان میکشد که افغانستان دوباره به دوران انارشی و استبداد قرون وسطایی برگردد. این است از دیدگاه ما عمده ترین مشخصات اوضاع کنونی داخلی و پیرامون افغانستان .

حضارگرانقدر !

برغم اینکه ادعا میگردد که پس از فروپاشی نظام طالبان ، بحران قدرت حل و افغانستان صاحب یک دولت مدرن و نیرومند ملی و نظام سیاسی دموکراتیک خواهد شد، ولی پروسه ء سیاسی، در مسیری انکشاف می نماید که فرایند گذار به دموکراسی و استقرار یک دولت دموکراتیک و خدمت گار مردم را به چالش مواجه نموده است ، در یک جمله باید گفت که این ساختار و سرشت قدرت نمی تواند دموکراسی، رفاه و عدالت اجتماعی را تأمین کند. و دلایل اساسی ان عبارت از ساختار قدرت و گرایشات غیر دموکراتیک درون دولت جمهوری اسلامی و نفوذ گسترده ء نیروهای بنیاد گرا ، اقتدار گرا ، عقب گرا و قوم گرا درهیرارشی اداره مرکزی

ومحلی دولتی ، می باشد . دریک جمله باید گفت که با این ساختار قدرت واداره دولتی نمی توان به صلح و ثبات، دموکراسی ، جامعه مدنی ، رفاه و عدالت اجتماعی وبه پیشرفت وترقی همه جانبه کشور دست یازید و نایل گردید.

به باور ما تنها یک راه اساسی حل وجود دارد وان عبارت است از مبارزه مسالمت امیز وقانونی برای استقرار دولت نیرومند ملی ودموکراتیک مبتنی بر تطبیق جهات دموکراتیک قانون اساسی ودموکراتیزه ساختن ارگانهایی عالی ومحلی قدرت دولتی ، رعایت اصل انتخابات ازاد ، عادلانه ، منصفانه ، عمومی ، سری ومستقیم یک نفر یک رای و تعدیل قانون اساسی کشور درجهت تامین دموکراسی و عدالت اجتماعی .

نیروهای محرکه این مبارزه ودگرگونی را طیف وسیع از فعالان وشخصیت ها سیاسی واجتماعی ، گرایش های فکری وسیاسی ، تجددطلب وپیشرو ، ازادی خواه ودموکراتیک ، عدالت خواه وتحول طلب تشکیل میدهد که دریک جبهه ء سیاسی وسیع میهنی و دموکراتیک متحد شوند و مبارزه موثر وپویای مسالمت امیز وقانونی را در جهت دموکراسی و عدالت اجتماعی سازمان دهند وبه ثمر رساند وبه دین گونه دین ورسالت خودرا دربرابر مردم ومیهن به انجام رسانند .

این چنین نیروها درجامعه و به ویژه در اپوزسیون به کثرت وجود دارند که آنان را میتوان بدو کتگوری تقسیم کرد . نیروهای چپ دموکراتیک ولیبرال دموکرات ، که به شکل قانونی ومسالمت امیز برای تحقق برنامه های خود میرزمند وسعی وتلاش مینمایند .با این وجود که هر دو طیف نیروهای متذکره در وضعیت سیاسی حضور موثر نداشته ودرحاشیه قرار دارند . ولی درصحنه ء مبارزه ء سیاسی فعال اند و بالقوه از پوتانسیل بزرگ سیاسی واجتماعی برخوردار می باشند و اگر متحد شوند میتوانند منشأ ومحرک تحولات با اهمیت سیاسی واجتماعی در کشورشده میتوانند .

اینک مبارزه بر سر قدرت بیش از پیش حدت وشدت کسب می کند ومتناسب به ان ارایش نیروهای سیاسی بر مبنای منافع وارزش هادر درون وبیرون حاکمیت دگرگون میگردد.نیروهای درون حاکمیت که به دو گروه وجناح لیبرال های غرب گرا

، تکنوتکرات ها ی تجدد گرا و راست میانه از یک سو و حلقات راست افراطی ، عقب گرا ، بنیاد گرا، قوم گرا و قشری از جانب دیگر تقسیم میشوند ؛ بانزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی دربرابرهم صف آرای می نمایند؛ مصلحت ها و تلاش برای تطابق میکانیکی منافع متضاد ، به مقابله فرامیروید؛ اتحاد های کوتاه مدت فرصت طلبانه فرومی باشد و مرزبندی نیروهای متذکره بر مبنای منافع گروهی و شخصی شکل می گیرد.

هر چند که با ادامه وضعیت موجود سیاسی ، نا امنی، حاکمیت تفنگ، تهدید و تطمیع از مشخصه بارز آن است، دموکراتیک بودن ، عادلانه بودن و آزاد بودن انتخابات اتی را میتوان از همین اکنون زیر سوال برد ، اما در شرایطی که مردم افغانستان از تداوم حالت بحرانی کشور و تسلط حلقات و گروه های پسرو، اقتدار گرا و بنیاد گرابه ستوه آمده اند و خواهان اصلاحات و تحولات اند ، در صورت سازماندهی عالی مبارزات انتخاباتی و شرکت یک پارچه در انتخابات و ارایه برنامه سیاسی و شعارهای واقع گرایانه که به قلب مردم چنگ زند ، میتوان به نتایج معینی موفقیت آمیز در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی امیدوار بود و دل بست . درست از این جاست که تشکیل یک جبهه سیاسی دموکراتیک در دستور روز قرار میگیرد . ؟

رفقا و دوستان ارجمند !

نهضت فراگیر به مثابه یک سازمان سیاسی میهن پرست و چپ دموکراتیک یعنی مدافع منافع اکثریت قاطع مردم رنج دیده ، ستم دیده ، زحمتکش و معتقد به ارزش های اساسی دموکراسی و عدالت اجتماعی و بخشی از اپوزسیون دموکراتیک و تحول طلب ، برای حل مسایل معضلات فوق الذکر استراتیژی سیاسی که خطوط اساسی آن قرارذیل اند پیشنهاد و پیش کش کرده است و برای تحقق آن یک جا با سایر نیروهای وطن دوست ، مترقی ، دموکرات و عدالت پسند میرزمد و سعی و تلاش می کند.

۱- مبارزه قانونی و مسالمت آمیز برای استقرار یک دولت نیرومند ملی و دموکراتیک مبتنی بر ارزش های جامعه و مدنی و عدالت اجتماعی و تطبیق جهات دموکراتیک قانون اساسی و دموکراتیزه ساختن ارگانهای عالی و محلی قدرت دولتی، رعایت اصل انتخابات آزاد، عادلانه، منصفانه، عمومی، سری و مستقیم یک نفر یک رای، توزیع عادلانه قدرت و تعدیل قانون اساسی در جهت دموکراسی و عدالت اجتماعی.

۲. تدوین یک استراتژی امنیتی ملی بر مبنای حفظ و حراست استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و یک پارچه گی افغانستان و تسریع ساختن پروسه ایجاد قوای مسلح ملی، تا دولت افغانستان خود به امنیتش بپردازد و ضرورت نیروهای خارجی در کشور رفع گردد. ما بر اینیم که اگر ناتو و ایتلاف ضد تروریسم، سازمان ملل متحد و جامعه جهانی تعهدات خود را در زمینه نابودی مراکز و پایگاه های تروریستی در پاکستان و جلوگیری از نفوذ تروریست ها به خاک افغانستان و ارتقای قابلیت دفاعی - امنیتی کشور به درستی و شفافیت عملی سازند، افغانستان و جهان از شرارت تروریسم به زودی نجات خواهد یافت. ما خواهان تثبیت وضعیت حقوقی حضور نیروهای خارجی حدود و مسوولیت های ان مبتنی به احترام به حاکمیت ملی افغانستان می باشیم. اما افغانها باید امنیت خانه خود را، خود بدوش بگیرند. امنیتی که به زور سرنیزه بیگانه گان آورده شود غیر پایدار و شکنند می باشد.

۳- مساعی و مبارزه برای ایجاد یک اداره کارآمد، فساد ناپذیر و پاسخگوی نیاز های مردم مبتنی بر تحکیم حاکمیت قانون، نظارت مردم، احزاب سیاسی و نهادهای جامعه مدنی و تصفیه اداره از عناصر ضد دموکراسی و جامعه مدنی، فاسد، زورگو و چپاول گر.

۴- مبارزه و مساعی برای تامین و تساوی حقوق تمام اقوام ساکن کشور در عرصه های مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بر مبنای اصول حقوق برابر شهروندی به خاطر تحکیم وحدت ملی، تامین تعادل مرکزیت و خود گردانی محلی و، تجدید نظر بر سیستم شکل و شیوه اداره و تشکیلات اداری دولتی بر اساس اصول دموکراتیک، توزیع درست قدرت، صلاحیت ها، مسوولیت ها، حقوق و وظایف

بین مرکز ومحلات ، ایجاد شورای های انتخابی ودموکراتیک محلی وتفویض صلاحیت های گسترده سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی وفرهنگی به ارگانهای محلی قدرت دولتی ، مساعی درراه انکشاف هماهنگ ومتوازن اقتصادی ، اجتماعی وفرهنگی محلات ومناطق قومی ، حل عادلانه مسلهء کوچی ها درکشور،مخالفت دربرابر تبلیغات وتحریکات تبعیض امیز وانجام عمل تبعیضی وخصومت قومی ، ملی ومذهبی ومبارزه برضد ستم ملی و اجتماعی وهر گونه ساختار سیاسی مبتنی بر استبداد وعقب گرایی ، برتری جویی های نژادی ، قومی ، ملی ، محلی ، زبانی ، مذهبی وگروهی .

۵- اقدامات مقتضی در زمینه توسعه اجتماعی وانسانی ازطریق توزیع عادلانه فراورده های مادی ومعنوی میان مردم وایجاد اهرم های مالیاتی که درخدمت تقسیم عادلانه ملی قرارگیرد ، ایجاد وگسترش بیمه ها وخدمات اجتماعی و تامین حقوق اقتصادی ؛ دفاع وتامین حقوق بشر وزدودن خشونت علیه زنان وکوکان . مساعی در راستای رشد فرهنگی مبتنی بر مدرنیزه ساختن نظام فرهنگی - کلتوری کشوربا استفاده از تجارب ودست اوردهای ترقی علمی - تخنیکی بدون تعصب وتنگ نظری باید صورت گیرد.ومبارزه ومساعی برای تامین حقوق دانشمندان ، استادان ، معلمان ، نویسندگان متعلمان ومحصلان ، شاعران وژورنالیستان ، محصلان ومتعلمان ادامه یابد.

۶-- تامین هماهنگ رشد اقتصادی حمایت از تمام اشکال ملکیت وتامین تعادل وهماهنگی میان سکتور های مختلف اقتصاد ملی اعم از خصوصی ، مختلط ، کوپراتیوی دولتی در جهت اقتصاد مستقل ملی ، شگوفایی کشوروارتقای سطح زنده گی مردم ، تامین ملکیت دولت بر منابع زیر زمینی ، جنگلات ، چراگاه ها ، معادن ، منابع اساسی انرژی ، بنادر ، وخطوط مواصلاتی ، تاسیسات بزرگ مخابرات ،دشت ها، وزمین های لا مزروع وبند وانهار ومنابع آبی ، صنعتی ساختن کشور ایجاد ورشد صنایع ملی ، توجه به تولیدات داخلی وانکشاف صنایع دستی ومخالفت به دیکتات اقتصاد بازار آزاد .

۷ - تامین موثریت وگسترش نقش سازمان ملل متحد در استقرار امنیت ، ثبات ،

بازسازی و توسعه سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، تامین مناسبات متقابل مفید سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی به کشورهای همسایه ، منطقه و جهان بدون استثنا مبتنی بر منافع ملی و مصالح عالیای کشور ، حمایت و جلب کمک های موسسات و کشورها و ایجاد یک میکانیزم موثر به کاربردن درست کمک های خارجی ، دفاع از اعلامیه جهانی حقوق بشر، مبارزه بر ضد تروریسم ، تولید و قاچاق مواد مخدر . حمایت از مساعی جامعه جهانی در عرصه تامین امنیت ، بازسازی و توسعه ، اعاده و حفظ موقف عدم انسلاک کشور.

دوستان گرامی!

چنانکه گفته آمد یکی از مهمترین موضوع مورد بحث همایش کنونی ، بحث همبستگی نیروهای میهن پرست ، ترقی خواه و دموکرات می باشد . در حالات و اوضاع پیچیده و بحرانی کنونی که کشور و مردم به چالش های جدی روبروست ، ؛ ضرورت همبستگی و همیاری میان نیروها و گروه های پراکنده دموکراتیک و ترقیخواه بعنوان فرایندی اجتناب ناپذیر از درون جامعه برمیخیزد. ولی درک درست این ضرورت که از اهمیت بزرگ استراتژیک برخوردار است، خواهان عمل هدفمند در مطابقت با خواست نیرومند زمان است و نه اینکه با خوشبینی محض در حرف مدعی آن گردید .

به باور ما، قبل از هرگونه اقدام سیاسی در زمینه وحدت و اتحاد های سیاسی، لازم است تا خواستگاه و پایگاه اندیشه یی-سیاسی و تکیه گاه اجتماعی امتزاج ها، اتحاد ها، همبستگی ها و همکاریهای میان نیروهای دموکراتیک و ترقی خواه مشخص گردد. اندیشه ها و نگرشهای گوناگون و مختلفی میتواند وجود داشته باشد، اما اشتراکات فراوان فکری و سیاسی نیز وجود دارند که بر پایه آن میتوان و در اشکال مختلفی از وحدت و اتحاد های سیاسی متشکل گردید.

معلوم است که در جامعه سیاسی ما که به شدت متشتت و منقطب شده است ، تامین همبستگی و اتحاد های سیاسی کاری سهل نیست . ولی ناممکن هم نیست و اگر اراده و قاطع سیاسی ، پی گیری و ابتکاری در میان باشد و بر سلیقه ها و ایگوئیسم

گروهی و شخصی غلبه شود و بر اشتراکات فروان سیاسی اتکا به عمل آید، همبستگی در شکل وحدت عمل، اتحاد های سیاسی کوتاه مدت و درازمدت و وحدت سازمانی نیروهای ملی و مترقی کشور، به طور قطع و قطع و تأکیداً به طور قطع یک هدف دست یافتنی میسر است.

مابین باور هستیم که زمان آن فرارسیده است تا طیفهای سیاسی گوناگون ملی و مترقی خطوط و وجوه مشترک تفکر و عمل را دریابند و برپایه آن مشی دموکراتیک - مشارکتی را برای همزیستی، همیاری و همبستگی تدوین نمایند. و در این زمینه در برابر نیروها و سازمانهای ملی، دموکراتیک و ترقیخواه چند گزینه برای کار و پیکار مشترک وجود دارد که به بررسی اجمالی آنها در زیر پرداخته میشود:

گزینه اول: همپیوندی و همبستگی با راهبرد یکپارچگی و وحدت کامل اندیشه ای، سیاسی و سازمانی خواهد بود و به عبارت دیگر در اینصورت امتزاج و ادغام مطرح است. چنین گزینه ای بیشتر باشاخه ها و بخشهای گوناگون بازمانده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) و متحدان پیشین آنها امکان پذیر است. البته هدف نه دوباره خوانی تاریخ سیاسی افغانستان و احیای دوباره احزاب و سازمانهای پیشین است و نه بریدن از بنیاد با گذشته، بلکه تداوم مبارزه برپایه اندیشه ها، درسها، تجربه ها و آموزه های ترقیخواهانه و میهنپرستانه بجا مانده از گذشته در مطابقت با آرمانهای دیرین توده های ملیونی مردم افغانستان مطرح است که با واقعیتهای موجود کشور همخوانی داشته باشد. مشخصه چنین گزینه ای، شکلگیری سازمانی فراگیر از تمام یا بخشهای بزرگ نیروها، گروه ها و سازمانهای دموکراتیک و چپ با اندیشه های همگون، و لی با بینش و نگرش نوین و مستقل از عملکردها و سیاستهای سنتی است.

فراموش نباید کرد که نیروهای چپ و دموکرات، تنها متحمل شکست سیاسی شده اند. اما شکست سیاسی به معنی بطلان آرمانها و اندیشه های ترقی خواهانه، میهن پرستانه، دموکراتیک و داد خواهانه نباید پنداشته شود و هرگز هم چنین نیست. شماری از روشنفکران به اصطلاح عملگرا و گروه های سیاسی معین که مرگ ایده

های چپ را اعلام میکنند و با دوری از اندیشه های پیشرو میخواهند جنبش را به بیراهه بکشانند و شماری دیگر ، آرمانگرایانه و جزمی برمعیارهای سنتی می چسبند و بدینگونه، راه را در برابر نگرشهای نوین در جهت ارتقا و پویایی می بندند. هردو کتگوری به کجراه رفته اند.

گزینه دوم: همیاری و همکاری که بمعنی اتحاد عمل در اصول کلی و درمسایل استراتژیک در دراز مدت خواهد بود. دراینصورت شکل نوینی ازتشکل سیاسی مطرح است و سازمانهای متعدد کم و بیش همگون به لحاظ اندیش ورزی و جهان بینی خویش میتوانند باحفظ موجودیت و استقلالیت سازمانی دریک جبهه گسترده پیوندند و خطوط اصلی برنامه یی خویش را تدوین کنند.

گزینه سوم: هماهنگی و همزیستی که به معنی ایتلاف یا سازش سیاسی درمراحل و لحظات معینی از مبارزه درکوتاه مدت و میان مدت خواهد بود و خصلت تاکتیکی دارد. مشخصه این گزینه، هماهنگ کردن تلاشهای احزاب و سازمانهای گوناگون سیاسی باحفظ استقلالیت سیاسی و سازمانی کامل هریک بخاطر رسیدن به هدفهای نزدیک، مشخص و قابل دسترسی خواهد بود.

ما که از سوی خود بارها آماده گی خویش را برای طرح گفتمان پیرامون یک برنامه سیاسی و آیین نامه سازمانی در رابطه به گزینه های بالا ، اعلام داشته ایم ، یک بار دیگر با استفاده از این تریبون آماده گی عام و تام خویش را با صداقت و صمیمیت رفیقانه و دوستانه به حضور داشت شما یاران دیرین روزهای تلخ و شیرین مبارزه اعلام میداریم. چنین برنامه سیاسی نمیتواند که عیناً برنامه سازمانی ما و یا دیگران و یا تداخل و ترکیبی از برنامه های سیاسی متفاوت و متلون باشد، بلکه مفردات آن باید به شیوه دموکراتیک و همگانی تدوین گردد که بازتاب خواست نیرومند زمان، ضرورتهای مبارزه فعال و متکی بر اراده ، خواست و نیروی مردم افغانستان باشد.

در رابطه به اشکال سازمانی میتواند رایزنی های لازم انجام گیرد. بقراریکه دربالا اشاره گردید در رابطه به مسأله «وحدت» و «اتحاد» دوگزینه در برابر ما قرار دارد: یکی

اینکه، ازدغام یا وحدت سازمانهای متعدد، یک سازمان یا حزب واحد سیاسی بوجود آید.

گزینه دوم اینکه، از اتحاد سازمانهای موجود یک جنبش اجتماعی و سیاسی زیر نام جبهه یا جنبش ایجاد گردد، ولی هریک هویت و استقلالیت سازمانی خویش را میتواند حفظ نمایند. در هر دو صورت (وحدت یا اتحاد) برای سازمانها و نیروهای دموکراتیک و چپ امکانات آن فراهم خواهد شد تا در مورد همکاریها، ائتلافها و همیاریها با نیروهای دیگر سیاسی- از عملگرایان تا مصلحتگرایان، از ملیگرایان تا اسلامگرایان - حرف بمیان آید. اینچنین ائتلافها در رابطه به مسایل مشخص میتوانند مقطعی، گزرا، کوتاه مدت و میان مدت باشند.

بمنظور آنکه، سازمانهای دموکراتیک و چپ صرف نظاره گر وضع باقی نمانند و در داخل کشور به نیروی فعال مبارزه مبدل گردند و نقش خود را به دفاع از توده های ملیونی مردم و ازمنافع آنان ایفا نمایند، ضرورت است تا آنها توانایی نشان دادن واکنش بموقع در برابر تحولات سیاسی و اجتماعی در کشور را بدست آورند. هر دو حالت، وحدت یا اتحاد سازمانی، میتواند توانایی لازم را برای این نیروها بازگرداند.

در رابطه با همکاریهای ائتلافی باید با دقت در نظر گرفت که نخست، مبارزه بایستی در جهت برآوردن منافع توده های مردم انجام گیرد و دوم، سازمانهای دموکراتیک و چپ بتوانند نقش و پایگاه مردمی خویش را گسترش بخشند و نه اینکه در دام منافع نیروهای دیگر سیاسی بیفتند.

در مبارزه قدرت ممکن است که برخی از نیروهای اقتدارگرا از نیرو و امکانات سازمانهای چپ، ملی و دموکرات بهره گیرند، و در نتیجه مواضع سیاسی این سازمانها در میان مردم تضعیف گردد. بنابراین، سازمانهای ترقیخواه و دموکرات زیر نام سازش و ائتلاف و همکاری باید بعنوان سپر و خنجر دیگران نه تنها مورد استفاده قرار نگیرند،

بلکه بایستی آگاهانه منافع و مواضع عادلانه خود را در دفاع از منافع مردم و در همکاری با آنان دریابند.

آنچه که به پلاتفرم و یا برنامه سیاسی جبهه ء وسیع دموکراتیک ارتباط میگیرد، باید گفت که احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی، شخصیت های سیاسی و اجتماعی ملی و مترقی کشور، اکنون به آن حدی از بلوغ و خودآگاهی سیاسی رسیده اند که میتوانند تفاوت های فکری و سلیقه ای را کنار بگذارند و ضرورت های مبارزه فعال را بدرستی درک نمایند و بر سر تدوین مشی سیاسی و اشکال تشکیلاتی مبارزه مشترک به توافق رسند. و در این زمینه نظریات مشورتی محترم سلطان علی کشتمند سابق صدراعظم دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان که اخیراً ارائه نموده اند، رهگشاه، به موقع و واقعی بینانه می باشد.

نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان که از ضرورت وحدت و همبستگی نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک نشأت نموده است، کار و فعالیت برای وحدت عمل و وحدت کامل به همه همفکران و اتحاد سیاسی در شکل یک جبهه ء وسیع میهنی و دموکراتیک را از وظایف اساسی مرامی و عملی خود میداند و در این راستا از هیچ نوع مساعی دریغ نمی ورزد.

ما برانیم که گرد هم ایی شکوهمند امروز ما گامی مهمی در راستای تامین وحدت، اتحاد ها، وحدت عمل و ایتلاف های نیروهای ملی و مترقی و دموکرات کشور به شمار می آید. ولی خاطر نشان می سازیم که مساعی ما از این جا از خارج کشور در راه وحدت نیروهای ملی، مترقی و دموکرات و تاثیر گذاری بر پروسه های سیاسی کشور، در صورت مثمر ثمری میشوند که به جنبش ملی و مترقی در داخل کشور همصدا شوند و یاری رسانند. چون میدان اصلی مبارزه در داخل افغانستان قرارداد و سرنوشت مبارزه و برد و باخت بازی در آنجا رقم میخورد. بناً ما پیشنهاد مینماییم که از نام این گرد هم ایی شکوهمند از هیأت رهبری احزاب و گروه های سیاسی ملی، مترقی و دموکرات در داخل کشور تقاضا به عمل آید که مساعی در راه تامین وحدت، اتحاد ها و وحدت عمل و همکاری را با تدابیر و اقدامات عملی تسریع بخشند و به ثمر برسانند.

دراخیر یک بار دیگر اجازه دهید که از نام رهبری و شورای اروپایی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان به مناسبت زحمت و کار چندین ماهه کمیسیون تدارک این همایش شکوهمند از صمیم قلب قدردانی نمایم .

دوستان و رفقای محترم! میهن محبوب ما افغانستان ، دیگر تحمل جنگ ، خشونت ، اسارت ، استبداد ، بی عدالتی ها ، تخریب و ویرانی ، برادرکشی و دشمنی ، نفاق و شقاق ، فقر و ذلت ، گرسنگی و محرومیت و غم و ناله ء فرزندان خود را ندارد . این کشور باید آباد شود نه ویران و پیش برود نه عقب و به مثابه یک کشور آزاد ، مستقل ، دارای حاکمیت ، دموکراتیک و شگوفان که انسان ان در سعادت زندگی نماید ، مبدل گردد .

پیام ، نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان برای این همایش پر جلال ، سازنده گی و همبستگی ، برادری و برابری ، تساهل و تساند ، تعاون و همکاری و صمیمیت می باشد . بیاید که در این دوران دشوار ، پر چالش و حساس حیات ملی ، نمونه ء هم یاری و همدلی ، گذشت و فداکاری شویم و دست بدست هم داده در راه تحقق آرمانهای دیرین ترقی خواهانه ، صلح خواهانه ، آزادی خواهانه ، دموکراتیک و داد خواهانه ء مردم رنج دیده ، زحمتکش و ستم دیده افغانستان رسالت و دین تاریخی خود را با مسوولیت انجام دهیم . در آخر می خواهیم بگویم که :

زنده باد افغانستان

فروزان باد مشعل صلح ، آزادی و عدالت

به پیش در راه و حدت و همبستگی تمام نیروهای ملی مترقی دموکرات و عدالتخواه

از توجه شما عزیزان ، همزمان و دوستان هموطن یک دنیاسپاس

21042008

ارسالی سایت وزین مشعل